

## جدایی جنوب سودان

### و پیامدهای آن برای جهان اسلام<sup>۱</sup>

#### چکیده:

در حالی که شمال سودان و کشورهای هم‌جوار دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان است، اکثریت ساکنان جنوب سودان را غیرمسلمانان جدایی‌طلب تشکیل می‌دهند، این مسئله باعث شده حل بحران جنوب سودان و جدایی آن از حکومت مرکزی سودان به فرآیندی در توافقنامه نیواشا در سال ۲۰۰۵ موکول شود، این فرآیند با استقبال قدرت‌های بین‌المللی نظیر ایالات متحده و اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۱۱ برگزار شد و نتیجه آن جدایی جنوب از کلیت سودان بود.

این تحولات از آن‌رو در نگاه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت دو چندان می‌یابد که شکل‌گیری کشوری جدید و در عین حال کوچک با رویکردها و سیاست‌های کاملاً متفاوت از شمال در تعامل با معادلات منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند جای پای بازیگران خارجی را در این منطقه حساس و استراتژیک محکم کند. علاوه بر آن درآمدهای نفتی سودان به علت وجود

<sup>۱</sup> . اسماعیل رضوانی‌فر، پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم سیاسی. Esmail.rezvanifar@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲۷

حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد ذخایر نفتی در جنوب کشور کاهش خواهد یافت. دولتی که در این منطقه در پس جدایی سر بر می‌آورد، تحت فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای نیز خواهد بود و بی‌تردید تصمیم‌گیری درباره مسائل استراتژیک برای رهبران آن چندان سهل و آسان نخواهد بود. محصور بودن در میان کشورهای موسوم به منبع رود نیل باعث می‌شود تا جنوب سودان مواضع خود را براساس رویکردها و مواضع این کشورها تعریف کند. علاوه بر آن، همسایگی با شمال از این منطقه اهرم فشاری بر خارطوم خواهد ساخت و بازیگران بین‌المللی نظیر ایالات متحده و اتحادیه اروپا و در عین حال برخی بازیگران منطقه‌ای نظیر کنیا، اوگاندا و رژیم صهیونیستی سمت و سوی سیاست‌های کلان این منطقه را تعیین خواهند کرد؛ چرا که حضور در سودان به معنی حضور در قلب مسلمانان است. با نفوذ و حضور در جنوب سودان در حقیقت نزدیکی بسیاری به مصر، کنگو، اریتره، لیبی و اوگاندا به دست می‌آید که همین امر می‌تواند به حضور در آن کشورها هم کمک کند. جنوب سودان هم اکنون بیشترین ارتباطات را در منطقه با رژیم صهیونیستی دارد. این وضعیت قاعدتاً چندان خوشایند جهان اسلام نیست، لذا در این مقاله، هدف، بررسی چرایی و چگونگی وقوع بحران سودان و نتایج آن برای جهان اسلام می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** سودان، جنوب سودان، جهان اسلام، رژیم صهیونیستی، آمریکا، غرب.

## سودان قبل از جدایی:

سودان کشوری مهم و استراتژیک در منطقه آفریقا محسوب می‌شود، ماهیت استراتژیک این کشور که قبل از جدایی، کشور پهناورتری بود، از آنجا ناشی می‌شود که با هشت کشور مصر، لیبی، چاد، اریتره، جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا، کنیا و آفریقای مرکزی همسایه بود.<sup>۱</sup> جمهوری سودان پیش از همه‌پرسی ژانویه ۲۰۱۱ برای جدایی سودان، با ۲/۵۰۵/۸۱۳ کیلومتر مربع مساحت به عنوان وسیع‌ترین کشور جهان اسلام در شمال آفریقا و در کنار دریای سرخ، محسوب می‌شد. پایتخت سودان «خارطوم» نام دارد و از شهرهای مهم آن می‌توان به بحیره، جزیره، أم دورمان، کسالا و وراب اشاره کرد.<sup>۲</sup> همچنین می‌توان به پورت وادی و العبید نیز اشاره نمود.<sup>۳</sup>

سیاه پوستان ۵۲ درصد، اعراب ۳۹ درصد، قوم بیجا ۶ درصد و دیگر نژادها ۳ درصد جمعیت ۴۴ میلیون نفری این کشور را تشکیل می‌دهند.<sup>۴</sup> مسلمانان سنی مذهب عمده جمعیت شمال کشور را تشکیل می‌دهند. اگر چه گویش‌ها و لهجه‌های بومی بسیاری در سودان وجود دارد اما زبان رسمی کشور عربی است و زبان انگلیسی نیز در کنار این زبان در بعضی ادارات دولتی به ویژه در ولایات جنوبی بکار می‌رود.<sup>۵</sup> ولی گروه زیادی از مردم به زبان محلی قبایل خود صحبت می‌کنند. همچنین خط مرسوم در این کشور عربی است.<sup>۶</sup> سودان در حاشیه مرزهای جهان عرب در معرض نفوذ اسلام، مسیحیت و مذاهب آفریقایی قرار گرفته است، در نتیجه در جریان گسترش فرایند پروژه‌ی اسلامی و عربی‌سازی به جانب جنوب، سودان در طول دهه‌های گذشته به صحنه کشمکش‌های مذهبی، قبیله‌ای و فرهنگی تبدیل شده است.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> . سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به نشانی : <http://www.irde.ir/fa/content>

<sup>۲</sup> . <http://fa.wikipedia.org>

<sup>۳</sup> . <http://www.jasjoo.com/books/countries/>

<sup>۴</sup> . <http://news.vcyq.ir/news/>

<sup>۵</sup> . [http://www.tebyan.net/politics\\_social/politics/foreign\\_policy/analysis\\_article/](http://www.tebyan.net/politics_social/politics/foreign_policy/analysis_article/)

<sup>۶</sup> . [http://www.tebyan.net/politics\\_social/politics/foreign\\_policy/analysis\\_article](http://www.tebyan.net/politics_social/politics/foreign_policy/analysis_article).

<sup>۷</sup> . هرایر دکمیجان، اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۳، ص ۵۳-۶۱-۵۴.

در سال ۱۸۲۰ میلادی، ایالات سودان توسط "محمدعلی پاشا" حاکم مصر فتح گردید، وی که در پی طلا و برده به سودان لشکرکشی کرده بود، توانست به آسانی بر قبایل سودان مسلط شود و به خارطوم سیطره یابد<sup>۱</sup>، در طی تحولات هفتاد ساله و پس از دوره‌ای که سودان توسط سودانی‌ها و با باز پس‌گیری سرزمینشان خود آن را اداره کردند بار دیگر از ۱۸۹۸، این کشور تحت سلطه‌ی مصری‌ها، البته با مشارکت انگلیسی‌ها درآمد، اختلافات مصر و انگلستان موجب شد کم‌کم زمینه برای استقلال سودان فراهم شود تا این‌که سرانجام سودان در سال ۱۹۵۶ میلادی از استعمار انگلستان و حاکمیت مصر استقلال یافت<sup>۲</sup>. در هنگام استقلال سودان، ۴۰٪ از جمعیت آن را اعراب تشکیل می‌دادند که از این تعداد بیش از ۵۰٪ در شمال سکونت داشتند؛ علی‌رغم این آمار، این کشور در گذشته یک کشور عربی تلقی می‌شد و امروزه نیز چنین برداشتی از این کشور وجود دارد. به شکل خاص‌تر، شمال سودان به عنوان «شمال عربی» شناخته می‌شود و این امر ناشی از این است که اعراب سودانی بیشتر در امور کشور مداخله دارند<sup>۳</sup>.

### موقعیت سودان جنوبی

کشور سودان جنوبی ۶۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و مرکز آن شهر جوبا است، این کشور براساس توافقنامه صلح در ژانویه ۲۰۰۶ میلادی با دولت مرکزی سودان از نوعی خودمختاری برخوردار بود و «سلواکرمیاردیت» از آن زمان تاکنون رهبری آن را بر عهده دارد. این کشور جدید التاسیس دارای یک مجلس قانون‌گذاری و مجلس ولایات است و جمعیت آن حدود هفت میلیون نفر تخمین زده می‌شود<sup>۴</sup>. سودان جنوبی به لحاظ تقسیمات کشوری دارای ۱۰ استان می‌باشد و خطوط مرزی آن از جنوب شرقی با اتیوپی،

<sup>۱</sup>. ایرا ماریون لایندوس، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴۸.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۱۵۴-۱۱۵۰.

<sup>۳</sup>. رک: آکسیس هراکلیدس، "مشکل جنوب سودان: تضادهای سیاسی، فرهنگی مذهبی"، بی مترجم، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال دوم شماره چهارم، دی ماه ۱۳۶۶، به نقل از مجله modern African studies از انتشارات دانشگاه کمبریج، ص ۱۱.

<sup>۴</sup>. برخی منابع این جمعیت را ۹ میلیون نفر تخمین زده‌اند.

کنیا، اوگاندا و جمهوری کنگو، از غرب با آفریقای مرکزی و در شمال با سودان شمالی مشترک می‌باشد. بزرگترین شهرهای سودان جنوبی شامل «واو»، «ملکال»، «رومبیک» و «اوایل ویای» می‌شود. زبان رسمی سودان جنوبی عربی و انگلیسی است که علاوه بر آن ۳ زبان آفریقایی «طوک ناس»، «طوک جینگ» و «طوک شلوبنز» نیز در این کشور رایج است. ساکنان جنوب بیشتر، پیروان ادیان سنتی آفریقا (آنیسیسم؛ اصالت روح)<sup>۱</sup> هستند و حدود ۷۰٪ جمعیت این کشور را شامل می‌شوند، این در حالی است که مسیحیان و مسلمانان هر کدام ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت سودان جنوبی را در برمی‌گیرند.

در این کشور برخی از قبایل آفریقایی زندگی می‌کنند که از جمله معروف‌ترین آن‌ها دینکا، نویر، شیرلوک، شالک باری، شولی و جور هستند، علاوه بر آنان برخی قبایل موسوم به نیلی‌ها در این منطقه سکونت دارند که باریا، لوتوکا و مورلی از معروف‌ترین آنها هستند، همچنین قبایل معروف به سودانی‌ها که «الزاندی» و «الفتریت» نامیده می‌شوند، در سودان زندگی می‌کنند.<sup>۲</sup>

جنوب سودان ۸۵٪ از نفت و ذخایر طبیعی کل سودان را در خود جای داده است، وجود ذخایر منیزیم، آهن، نفت، گاز و مس در این منطقه و همچنین گذر یکی از سرشاخه‌های اصلی نیل بزرگ از این سرزمین از نکات برجسته منطقه جنوب سودان است.<sup>۳</sup> این کشور به طور قابل ملاحظه‌ای از لحاظ وضعیت اقتصادی توسعه نیافته است و سکنه‌ی آن عمدتاً روستایی، فقیر و بی‌سواد هستند و در مقایسه با اعراب منطقه شمال در قبل از استقلال، از جهت برخورداری از امکانات و امتیازات در وضع نامناسب و نابرابری قرار داشتند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> آنیسیسم یا جان‌گرایی آیینی است که گرایندگان به آن اعتقاد دارند که تمامی عناصر طبیعت دارای روح و جانند. بر طبق همین پندار جنبش طبیعت را ارواح و شیاطین سبب می‌شوند. این ارواح برخی موجب بدی و برخی دیگر موجب نیکی هستند.

<sup>۲</sup> محمد معرفی، «غربی‌ها سودان را تجزیه می‌کنند، سودان جنوبی کشور تازه تأسیس آفریقا»، روزنامه کیهان، سال هفتم، شماره ۱۹۹۵۷، تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۶، ص ۱۲.

<sup>۳</sup> همان.

<sup>۴</sup> هراکلیدس، ص ۱۱.



## ریشه بحران جدایی جنوب

جدایی‌خواهی اساساً زمانی شکل می‌گیرد که یک گروه مشخص خود را از حکومت مستقر متمایز می‌کند که این تمایز، ریشه و پایگاه مستحکم سرزمینی دارد و عموماً ناشی از نابرابری شدید میان این گروه و هیئت حاکمه است. در ابتدا ممکن است این جدایی‌خواهی به شکل خودمختاری بروز یابد و چنانچه مورد قبول حکومت مرکزی قرار نگیرد، آنگاه ممکن است با تشدید شکاف، اقلیت سرزمینی به فکر تجزیه‌طلبی افتند که این مسئله می‌تواند حتی منجر به اقدام مسلحانه در جهت جدایی‌خواهی شود.

در سودان نیز این پروسه طی شد، برای بررسی این موضوع باید به سال‌های آخر قرن نوزدهم بازگشت، یعنی زمانی که سودان تحت سلطه استعمار انگلستان قرار داشت. در این دوران، انگلستان در جهت منافع استعماری خود به ایجاد شورای مشورتی در منطقه شمال دست زد اما جنوب را از عضویت در این شورا محروم ساخت، این امر یکی از ریشه‌های عداوت میان مردم جنوب و شمال است، چرا که جنوبی‌ها راه نیافتن به شورا را بی‌توجهی به جنوب تلقی می‌کردند و شمالی‌ها هم بیمتاک شدند که گویا بریتانیا در پی جدا ساختن جنوب از شمال و الحاق آن به اوگاندا است. این اختلافات کم‌کم منجر به جنگ سختی در میان شمال و جنوب در آستانه استقلال گشت. این جنگ همچنین مایه‌های مذهبی

داشت و در آن بر تمایزات فرهنگی میان شمال و جنوب تأکید می‌شد.<sup>۱</sup> عامل اقتصادی و معیشتی، یعنی بی‌توجهی به توسعه اقتصادی جنوب توسط استعمارگران و پس از استقلال از سوی دولت مرکزی، نیز در این جنگ مورد توجه بود.<sup>۲</sup>

در خصوص **عامل مذهبی** این جنگ باید گفت، تلاش حکومت مرکزی برای ایجاد وحدت در بین شمال و جنوب، از طریق ترویج اسلام و هویت‌بخشی عربی به ایالات جنوبی، مورد مخالفت شورشیان جنوبی بود. این درحالی بود که رواج مسیحیت و زبان انگلیسی توسط انگلستان در این مناطق، تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی میان شمال و جنوب را تشدید ساخته بود. **پیرامون عامل فرهنگی** نیز باید گفت که هویت اهالی جنوب مبتنی بر ترکیبی از عوامل مختلف بود که اهم آن **نژاد، فرهنگ، مذهب، محیط زیست، تاریخ، تعلیم و تربیت** خاص بود که منجر به شکل‌گیری ناسیونالیسم جنوب شد که در کل حاصل عوامل ذیل بود:

الف) نابرابری؛

ب) بیم از مستحیل شدن در اهالی عرب منطقه شمال؛

ج) سخت‌گیری دولت مرکزی در برابر تقاضاهای اهالی جنوب برای برخورداری از وضعیت فدرال، رفع تبعیض و مشارکت عادلانه در امور کشور.<sup>۳</sup>

درگیری‌های خونین شمال و جنوب تا سال ۱۹۷۲ ادامه یافت تا این‌که در نهایت در این سال سازشی بین دولت مرکزی و شورشیان برقرار شد که طی آن ۳ ایالت جنوبی سودان، منطقه‌ی واحدی را تشکیل می‌دادند که دارای مجلس واحدی بود و افراد مسلح شورشی سابق جزئی از ارتش سودان شده و در جنوب مستقر شدند. اما این سازش آتش زیر خاکستر بود، چرا که تفاوت‌ها و تمایزات همچنان فعال بودند تا این‌که در سال ۱۹۸۳ میلادی با روی کار آمدن دولت نظامی "**جعفر نمیری**" توافق مذکور ملغی اعلام شد و

<sup>۱</sup> غلامرضا گلی‌زواره قمشه‌ای، "سودان وسیع‌ترین کشور اسلامی"، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهارم و یکم، شماره سوم، خرداد ماه ۱۳۸۰، ص ۲۷۲-۲۷۰.

<sup>۲</sup> اصغر جعفری ولدانی، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، ص ۵۶.

<sup>۳</sup> هراکلیدس، ص ۱۱.

مردم جنوب نیز در واکنش، جنبش مردمی آزادی سودان را به رهبری "جان کارنگ" شکل دادند<sup>۱</sup> و کم کم با فاصله گرفتن از ایده خودمختاری، ساز جدایی سر دادند. مجموعه تحولات رخ داده در طول حکومت نمیری موجب تشدید اوضاع شد، از جمله اعلام مجدد زبان عربی به عنوان زبان رسمی سودان، امضا منشور وحدت با مصر در اکتبر ۱۹۸۲ میلادی، احداث کانال جونکلی، محروم ساختن جنوب از مزایای اقتصادی حاصل از حوزه‌های غنی نفتی «نبتی یوا» و اعلام اجرای شریعت اسلامی در سپتامبر ۱۹۸۳ میلادی در کل سرزمین سودان که منجر به آغاز دور جدیدی از جنگ‌های داخلی با تقاضای جدایی‌خواهی جنوب در سودان شد، ضمن این که اکتشاف نفت سبب شد، جنوبی‌ها از قابلیت دوام اقتصادی برخوردار شوند و خود را بی‌نیاز از شمال بدانند.<sup>۲</sup> در مجموع، در این سال‌ها جنوبی‌ها با تأکید بر هویت جداگانه جنوب از شمال، ادعای خشونت و آزار از سوی شمال نسبت به جنوب و استیلای فرهنگی و تلاش برای حل نمودن جنوب در اعراب شمال، ساز جدایی از شمال را کوک کردند.

اختلافات و درگیری‌های میان شمال و جنوب در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت و در این وضعیت بود که **عمر البشیر** در سال ۱۹۸۹ به قدرت رسید، این چرخش قدرت موجب شد تا جنوب دوباره آرام شود.<sup>۳</sup> اما اوضاع بر وفق مراد نماند، چون جنوبی‌ها هنوز مطالبات خود را داشتند، ضمن این که اختلاف نظر میان عمر البشیر و حسن الترابی، رئیس مجلس سودان موجب برکناری وی از سوی رئیس جمهور گردید و این اتفاق منجر به نزدیکی الترابی به ارتش آزادی بخش سودان شد و ضمن دامن زدن به اختلافات به دستگیری الترابی منتهی گشت.<sup>۴</sup> ضمن این که کاربرد قوانین شریعت از این دوران به بعد بار دیگر به موضوعی چالش برانگیز در روابط جنوب و شمال شد و آتش درگیری‌ها را بار دیگر شعله‌ور ساخت. این درگیری‌ها با کنفرانس واشنگتن که در سال ۱۹۹۳ با شرکت جناح‌های عمده شورشی و مخالف دولت تحت نظارت کنگره آمریکا و تصویب حق تعیین

<sup>۱</sup> ر.ک: جعفری ولدانی، ص ۵۷.

<sup>۲</sup> ر.ک: هراکلیدس، ص ۱۶-۱۵.

<sup>۳</sup> معرفی، ص ۱۲.

<sup>۴</sup> غلامرضا گلی زواره قمش‌های، "مشکلات و عوامل بحران‌زای سودان"، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهل و یکم، شماره ششم، شهریور ۱۳۸۰، ص ۴۲۵.



سرنوشت جنوبیان توسط خود و اعلام جنگ علیه دولت مرکزی تا پیروزی آغاز شد.<sup>۱</sup> درگیری‌ها تا سال ۲۰۰۵ ادامه داشت تا آن‌که در مذاکرات صلحی که به "نیواشا" معروف گشت و به ناآرامی‌ها و کشتار گسترده‌ای که منجر به قتل دو میلیون نفر و آوارگی ۴ میلیون نفر شد، پایان داد. مفاد این توافق نامه در برگیرنده چگونگی تقسیم قدرت و تمرکز زدایی در حاکمیت و نیز چگونگی تقسیم درآمد و ثروت کشور بود.<sup>۲</sup> مفاد این قرارداد که در نهم ژانویه سال ۲۰۰۶ م به امضا طرفین رسید، موارد ذیل را در بر می‌گرفت:

۱. حق تعیین سرنوشت برای جنوبی‌ها تا سال ۲۰۱۱؛
۲. برگزاری انتخابات عمومی در همه زمینه‌ها در مدت زمانی کمتر از یک سال؛
۳. تقسیم قدرت میان شمال و جنوب؛
۴. تقسیم ثروت؛
۵. اداره مناطق مورد نزاع بین شمال و جنوب؛
۶. برقراری ترتیبات امنیتی مورد نیاز.<sup>۳</sup>

همچنین بر مبنای توافقنامه صلح، جنوب سودان از شمولیت اجرای قانون شریعت اسلامی مستثنی شد.<sup>۴</sup>

در نهایت دولت مرکزی سودان در ژانویه ۲۰۱۱ م مقدمات همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت جنوب سودان را فراهم آورد و نتیجه ناشی از این همه‌پرسی - چنانکه جنگ‌های ۵۰ ساله بین شمال و جنوب و همچنین مطالبات رهبران شورشی جنوب نشان می‌داد - منجر به جدایی جنوب سودان از سودان بزرگ شد و در پی آن جمهوری سودان جنوبی روز شنبه نهم جولای ۲۰۱۱ میلادی با برگزاری جشن‌های منفصل در جوبا و با حضور ۳۰ رهبر آفریقایی و دبیرکل سازمان ملل متحد رسماً استقلال خود را به عنوان صد و نود و سومین کشور جهان و پنجاه و چهارمین عضو اتحادیه آفریقا اعلام کرد.

چند ساعت پیش از اعلام تشکیل کشور سودان جنوبی، خارطوم، کشور تازه تاسیس را

<sup>۱</sup> ر.ک: همان، ص ۴۲۷-۴۲۸.

<sup>۲</sup> محمود فرازنده، تحلیل ساختاری جنبش‌های چریکی در آفریقا، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵.

<sup>۳</sup> معرفتی، ص ۱۲.

<sup>۴</sup> <http://news.vcyq.ir/news/>

به رسمیت شناخت و آلمان و رژیم صهیونیستی نیز اعلام کردند، سودان جنوبی را به رسمیت خواهند شناخت.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد وعده‌هایی همچون حذف نام سودان از کشورهای حامی تروریسم و تجدیدنظر در حکم دادگاه لاهه در مورد رهبر سودان و قول دادن کمک‌های مالی به خارطوم، باعث تجزیه پهناترین کشور اسلامی در قاره سیاه شد. علاوه بر آن اشتباهات دولت مرکزی در اعمال فشار به جنوب، عدم بهای دادن به این منطقه به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تبعیضات تحمیلی به این منطقه و در نهایت امضای توافقنامه نیواشا و قبول برگزاری فراندوم ژانویه ۲۰۱۱ م از جمله دلایل جدایی جنوب از شمال بود. در واقع این شرایط زمینه را برای نفوذ و بهره‌برداری قدرت‌های بیگانه از وضعیت حاکم بر سودان فراهم آورد و عوامل خارجی این جدایی را تسریع بخشید.<sup>۲</sup>

## غرب و اسرائیل در شرق آفریقا

موقعیت استراتژیک سودان که ناشی از همسایگی آن با تنگه باب‌المندب و دریای سرخ و واقع شدن آن در شرق قاره آفریقا است، به همراه عبور یکی از شاخه‌های اصلی رود نیل از داخل این سرزمین، موجب اهمیت آن و توجه کشورهای استعمارگر از دیرباز تاکنون به این کشور شده است، لذا همواره ردپای کشورهای خارجی به ویژه غربی در تحولات سودان قابل مشاهده است.

چنان‌که گفته شد، سودان زمانی تحت استعمار دولت بریتانیا قرار داشت و ریشه اختلافات میان جنوب و شمال به همان دوران باز می‌گردد که بریتانیای کبیر سعی کرد با ترویج مسیحیت و زبان انگلیسی در جنوب، نقاط تمایز میان این دو منطقه را برجسته سازد. استقلال سودان در سال ۱۹۵۶ میلادی، موجب قطع نفوذ بیگانگان در صحنه سیاست و اقتصاد سودان نشد، بخصوص آن‌که شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در دهه ۱۹۴۰ و وجود نیروهای گریز از

<sup>۱</sup> روزنامه کیهان، سال هفتم، شماره ۱۹۹۷۰، یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۰، ص ۱۶.

<sup>۲</sup> رک: مصاحبه جاوید قربان اوغلی سفیر سابق ایران در سودان، با سایت خبر آنلاین به نشانی: <http://www.khabaronline.ir/news-۱۲۲۲۹۷.aspx>، تاریخ ۱۳۹۰/۳/۸.

مرکز در جنوب به زیان مسلمانان بر اهمیت این کشور و ضرورت اعمال نفوذ در آن از سوی غرب و اسرائیل افزود، لذا از این دوران به بعد اسرائیل و حامیان غربی آن به واسطه منافع استراتژیک، ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی خود، توجه ویژه‌ای به سودان و تحولات آن داشتند، در این چارچوب، جنوب به واسطه اختلافات نژادی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با شمال، مکان مناسبی در جهت پیشبرد منافع غرب و رژیم صهیونیستی بود.

برای درک بهتر چرایی نفوذ اسرائیل به سودان و حمایت غرب از این کشور همچنین حمایت این دو از تجزیه سودان، باید نگاه کلان‌تری به موضوع داشت، در این چارچوب ابتدا به استراتژی کلان صهیونیسم در منطقه شرق آفریقا پرداخته و پس از آن نفوذ اسرائیل در جنوب سودان با همراهی غرب را می‌سنجیم. براساس اسناد و مدارک تاریخی، صهیونیست‌ها به آفریقا و شرق آن قبل از تشکیل این رژیم توجه ویژه‌ای داشتند و درصدد بودند موطنی در این منطقه برای یهودیان آواره در جهان دست و پا نمایند.<sup>۱</sup> اما بنا به عللی که از حوصله این بحث خارج است، فلسطین و اراضی اشغالی کنونی به عنوان موطن اولیه یهودیان، انتخاب شد، اما این امر باعث کاهش اهمیت این منطقه برای اسرائیل و موجودیت آن نشد، چرا که با نگاهی به راهبردهای صهیونیست‌ها در آفریقا که به طور خلاصه متوجه تأمین امنیت ملی اسرائیل و پاسداری از آن، کسب مشروعیت سیاسی در منطقه و جهان، کسب و توسعه قدرت منطقه‌ای اسرائیل است، می‌توان به ریشه‌های تلاش این رژیم در جهت نفوذ در جنوب سودان پی برد.<sup>۲</sup> چرا که این نفوذ در واقع، بخشی از راهبرد اسرائیل در جهت توسعه‌طلبی در شرق آفریقا و ایجاد حوزه نفوذ در این منطقه است. بر مبنای این راهبرد می‌توان اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی اسرائیل در منطقه شرق آفریقا را شناسایی کرد که در چارچوب اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی قابل دسته‌بندی است.

<sup>۱</sup> صبری انوشه، "رژیم صهیونیستی و شرق آفریقا"، فصلنامه مطالعات آفریقا، سال یازدهم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۲۲.

<sup>۲</sup> همان، ۱۲۰.

## اهداف سیاسی:

۱. خروج از انزوای منطقه‌ای و شکست طرح‌های اعراب برای محاصره و منزوی نمودن این رژیم؛
۲. تکاپو برای افزایش حجم مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای؛
۳. توسعه روابط سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای منطقه به عنوان مدخلی برای گسترش مناسبات اقتصادی و امنیتی میان تل‌آویو و این منطقه؛
۴. بهره‌برداری از توسعه روابط با کشورهای این منطقه جهت تلطیف افکار عمومی مردم این منطقه و زدودن تأثیر منفی تبلیغات کشورهای اسلامی و عربی علیه این رژیم؛
۵. کسب حمایت سیاحان داخل آمریکا از رهگذر افزایش و توسعه مناسبات با کشورهای قاره سیاه.

## اهداف اقتصادی

۱. بدست آوردن بازارهای کشورهای منطقه برای کالاهای صادراتی اسرائیل؛
۲. گشودن بازارهای منطقه برای ورود خدمات مهندسی و فنی اسرائیل؛
۳. افزایش حجم سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی در معادن استراتژیک این منطقه.

## اهداف امنیتی - نظامی

۱. تلاش برای داشتن سهم قابل توجهی در صدور اسلحه به کشورهای این منطقه؛
۲. افزایش گستره همکاری امنیتی و اطلاعاتی میان دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل؛
۳. افزایش فرصت‌ها برای همکاری میان این رژیم و آمریکا در پهنه این منطقه؛
۴. تضعیف جنبش‌ها و جریان‌های جدایی‌خواه و بهره‌برداری از اختلافات قبیله‌ای، نژادی و قومی میان ملل این کشورها؛
۵. تلاش برای صدمه زدن به روابط این منطقه و ایجاد منابع تهدیدنا برای امنیت ملی کشورهای عربی همچون سودان و مصر.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> ر.ک: انوشه، ص ۱۴۶-۱۴۴.

این اهداف برگرفته از سیاست کلان و کلی صهیونیستی است که نمود خارجی و عینی آن توسعه‌طلبی و غصب زمین‌هاست.<sup>۱</sup> در راستای این نفوذ، صهیونیسم جهانی، پیوند خود با آفریقا را این چنین ابراز می‌دارد که یهود و سیاهان آفریقا هر دو مورد ستم واقع شده و قربانی شکنجه و آزار و اذیت و تبعیض نژادی بوده است و چنین می‌نمایند که سیاست اسرائیل یک حرکت آرمانی و ارزشی است که در چارچوب آن از مبارزات این مناطق حمایت می‌کند. در این چارچوب همزمان با تشکیل دولت اسرائیل، برقراری روابط با کشورهای آفریقایی به واسطه اروپایی‌ها آغاز شد و این همکاری باعث شد، فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در آفریقا از دهه ۱۹۵۰ میلادی بدون هیچ مشکلی همچنان ادامه یابد، تا جایی که اسرائیل توانسته است پایگاه مؤثری در آفریقا و بخصوص در شرق این قاره ایجاد کند. در این رهگذر، همواره درگیری‌های داخلی در کشورهای آفریقایی همواره یکی از نکات جالب توجه برای تل‌آویو بوده است.<sup>۲</sup>

در این چارچوب یکی از کشورهای هدف اسرائیل، سودان بوده است که به لحاظ اهمیت‌های برشمارده و همچنین اسلامی بودن آن و مغایرت سیاست‌های آن با اهداف اسرائیل مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در ادامه به بررسی اهمیت سودان جنوبی برای غرب و اسرائیل می‌پردازیم.

### ابعاد اهمیت جنوب سودان برای غرب و اسرائیل

موجودیت اسرائیل، ایجاد زمینه نفوذ غرب و تل‌آویو در شرق آفریقا و ایجاد مغری برای اسرائیل از محاصره کشورهای عربی موجب شده است، جنوب سودان به واسطه‌ی تمایزات برشمرده با شمال این کشور و کشورهای عربی - اسلامی از اهمیت خاصی برای اسرائیل و غرب برخوردار باشد، لذا تحولات جنوب سودان، همواره با حساسیت خاصی از سوی آنان دنبال شده و جنوب همواره حمایت این کشورها را به دنبال خود داشته است.

<sup>۱</sup> احمد بولوه، "اسرائیل: استعمار جدید آفریقا"، ترجمه نعمت الله قادری، فصلنامه مطالعات آفریقا، سال دهم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۷۸.  
<sup>۲</sup> همان، ص ۸۱-۸۲.

اما این قطعه از آفریقا از چه جنبه‌هایی برای غرب و به خصوص اسرائیل اهمیت دارد؟ برای پاسخ به این سؤال باید به ابعاد استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی ایدئولوژیک اهمیت جنوب سودان پرداخت و پس از آن به این سؤال رسید که پیامدهای جدایی جنوب سودان با توجه به اهمیت‌هایی که برای این منطقه بر می‌شماریم چیست؟ اما قبل از آن باید به روابط غرب و اسرائیل با منطقه جنوب پرداخت. مسئولان اسرائیلی از طریق کنسولگری اسرائیل در آدیس‌آبابای اتیوپی با جنوبی‌های سودان تماس‌هایی برقرار کردند.<sup>۱</sup> و پس از برقراری ارتباط با جنوب، به شورشیان جنوب سودان در مقابل حکومت مرکزی در پنج دوره اصلی کمک نمودند.

**دوره اول:** این کمک‌ها در دهه ۱۹۵۰ م اتفاق افتاد و شامل کمک‌های پزشکی، دارویی و غذایی می‌شد.

**دوره دوم:** در نیمه دهه ۱۹۶۰ م صورت گرفت و مبتنی بر آموزش نیروهای ارتش ملی جنوب بود.

**دوره سوم:** نیمه دهه ۱۹۶۰ تا پایان این دهه که سیل اسلحه برای شورشیان جنوب سرازیر گردید، همچنین آموزشگاهی برای افسران پیاده نظام و فارغ التحصیلان کادر نظامی فرماندهی واحدهای شورشیان در جنوب ایجاد شد؛

**دوره چهارم:** دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ که با تداوم کمک‌های تسلیحاتی همراه بود؛

**دوره پنجم:** از اواخر سال ۱۹۹۰ تاکنون که شامل ارسال سلاح‌های سنگین، ضدتانک، موشک‌های تاو و توپ‌های ضد هواپیما و ... می‌شد.<sup>۲</sup> اطلاعات فرعی

کمک‌های اسرائیل به خدمات فنی و نظامی محدود نمی‌شود بلکه شامل حمایت‌های سیاسی نیز هست که اهم آنان عبارت بود از:

۱. خنثی نمودن حمایت متقابل اعراب که از دولت سودان پشتیبانی می‌کردند؛
۲. شدت بخشیدن به جنبش مقاومت در جنوب سودان و حمایت از مبارزات شورشیان

<sup>۱</sup> مسرت اسرائیل از تجزیه سودان، در سایت: <http://iusnews.ir/?pageid=۱۲۱۷۰۱> به نقل از العالم، تاریخ ۱۹ دی ۱۳۸۹.

<sup>۲</sup> ر.ک: بلوله، ۹۴-۹۳.

بر ضد نیروهای دولتی؛

۳. پایان بخشیدن در محدودسازی اهداف جنبش شورشیان؛

۴. حمایت از ادعای جنوب در بهره‌برداری از منابع نفتی این منطقه از سوی ساکنان آن.<sup>۱</sup>

اسرائیل در مقابل این مساعدت‌ها و حمایت‌ها چنانکه "العیلیز رادلشتاین" استاد علوم سیاسی دانشگاه "باریلان" اسرائیل در کتاب خود «سلاح‌های اسرائیل در جهان» افشا نمود از امتیازات و تسهیلات کشف و استخراج نفت در جنوب سودان برخوردار شد. همچنان که ژنرال "شاوئل دهان"، دبیرکل وزارت دفاع اسرائیل در اکتبر ۲۰۰۱ م در مذاکرات خود با رهبران شورشیان جنوب سودان موفق شد امتیازات نفتی در منطقه جنوب سودان را برای شرکت نفتی مشترک اسرائیل - چین «میدرونیفت» به دست آورد.<sup>۲</sup> اهمیت این امتیاز را باید از این منظر مورد توجه قرار داد که این امتیاز در قلب کشوری اسلامی و مخالف با رژیم صهیونیستی به تل آویو واگذار شده بود. در ادامه، ابعاد اهمیت جدایی سودان برای غرب و اسرائیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف) اهمیت استراتژیک جنوب سودان

۱. موقعیت فوق استراتژیک دریای سرخ در جهان عرب و شاخ آفریقا، به عنوان اصلی‌ترین مسیر انتقال نفت خاورمیانه به غرب و تنها معبر شمالی میان اقیانوس هند و مدیترانه برای تل آویو تبدیل دریای سرخ به یک آبراه عربی و ضداسرائیلی، به معنای انحصار و انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی است، در صورتی که اتصال این رژیم از طریق بندر "عقبه" به دریای سرخ به معنای گشایش راه تنفس در میان دشمنان عربی - اسلامی است.<sup>۳</sup>

"بن‌گوریون" اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و از مؤسسان این رژیم معتقد بود

<sup>۱</sup> ر.ک: همان، ص ۹۴.

<sup>۲</sup> انوشه، ص ۱۳۱، به نقل از جمال عدوی، تغلغل النفوذ الاسرائیلی فی اربتریه الحلقه الاولى، روزنامه الرأی العام، چاپ خارطوم، دسامبر ۲۰۰۲.

<sup>۳</sup> "وقتی اسرائیل سودان را تقسیم می‌کند، از سایت:

حیات و ممات اسرائیل در گرو این دریا می‌باشد.<sup>۱</sup> لذا اسرائیل از این منظر به دنبال برقراری مناسبات با مناطق و کشورهای پیرامون جهان عرب است تا امکان محاصره اعراب مخالف اسرائیل فراهم شود، ضمن این‌که نزدیکی به کانال سوئز و تنگه "باب المندب" عامل دیگر اهمیت استراتژیک جدایی جنوب سودان برای اسرائیل و همچنین غرب است.

۲. تسلط به جریان آب رود نیل؛ که از سودان جنوبی می‌گذرد، بخشی از رویای رهبران گذشته این رژیم برای تأسیس اسرائیل بزرگ - از نیل تا فرات - است که با جدایی کشور غیرمسلمان جنوب سودان امکان عملیاتی شدن دارد.<sup>۲</sup> ضمن این‌که تسلط بر چشمه‌های آبی عربی، آسیب‌پذیری کشورهای عربی را بیشتر می‌کند.<sup>۳</sup> علاوه بر آن موجب می‌شود ۱۱ کشور شرق و شمال آفریقا را تحت کنترل خود درآورد.<sup>۴</sup> این سیطره همچنین زمینه را برای انتقال و اسکان مهاجران یهودی به این منطقه فراهم می‌سازد. ضمن این‌که علائق امنیتی خاص اسرائیل نسبت به موقعیت استراتژیک رود نیل که ناشی از وجود قدرت اسلامی معارض با منافع اسرائیل است بر اهمیت این منطقه افزوده است.

## ب) آثار و اهمیت سیاسی جدایی جنوب سودان

۱. ایجاد سنت جدایی طلبی: جدایی سودان سبب برانگیختگی ادعای جدایی طلبی در سایر مناطق و کشورهای منطقه می‌شود و می‌تواند به الگویی برای سایر کشورهای آفریقایی و مسلمان تبدیل شود؛
۲. فراهم آوردن حضور نظامی در منطقه: نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و ناتو

<sup>۱</sup>. انوشه، ص ۱۲۶.

<sup>۲</sup>. حسن هانی زاده، "سرنوشت مهم جنوب سودان" نقل شده در سایت:

تاریخ ۱۳۹۰-۴/۸ ... <http://zamannews.ir/View.aspx?ID>

<sup>۳</sup>. پیرمحمد ملازمی، "اهداف تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل در سودان" فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم شماره یکم، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۲۲.

<sup>۴</sup>. مقاله "پشت صحنه جدایی جنوب سودان"، روزنامه کیهان، سال هفتادهم، شماره ۱۹۸۴۲، ۲۷ دی ۱۳۸۹، ص ۱۲، به نقل از سایت ایرنا.



و سایر کشورها می‌توانند به بهانه امنیت منطقه سودان و شرق آفریقا حضور بیشتری داشته و کنترل بیشتری بر آن اعمال نمایند؛

۳. **مقابله با حزب حاکم اسلامی:** با به وجود آمدن کشوری غیرمسلمان در جنوب سودان، راه مقابله با دولت اسلامی "البشیر" هموارتر می‌شود، چرا که سودان یکی از مخالفین اسرائیل در مناقشه اعراب و اسرائیل است و جدایی جنوب طعمه بسیار خوبی برای تحت فشار قرار دادن سودان محسوب می‌شود؛

۴. **انزوای یکی از حامیان جریان مقاومت:** از آنجا که دولت "البشیر" یکی از حامیان مقاومت فلسطین به شمار می‌رود، غرب و اسرائیل از طریق جدایی می‌تواند یکی از حامیان جریان مقاومت به ویژه فلسطین را از گردونه خارج سازد؛

۵. **ممانعت از ایفای نقش سودان به عنوان یک بازیگر مطرح منطقه‌ای:** چنانکه "آوی ویختر" وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی معتقد است، جنگ داخلی و جدایی جنوب سودان، مانع تبدیل سودان به عنوان کشوری نقش‌آفرین در کنار سایر کشورهای عربی می‌گردد؛<sup>۱</sup>

۶. **فرار اسرائیل از فضای ناامنی تحت محاصره اعراب:** این تحول موجب می‌شود اسرائیل در قالب نگاه امنیتی به مناسبات قدرت در منطقه، تلاش کند به قدرت هژمون و برتر منطقه تبدیل شود تا ضریب امنیتی خود را بالا ببرد و جای پای محکمتری برای خود در منطقه دست و پا کند؛<sup>۲</sup>

۷. **بی اعتبار ساختن سودان و اعراب در انظار آفریقای سیاه به واسطه درگیری در جنگ‌های داخلی.**<sup>۳</sup>

### ج) اهمیت ایدئولوژیک جدایی سودان

سودان تنها کشور ساحلی دریای سرخ می‌باشد که با آمریکا هماهنگ نیست، برداشت

<sup>۱</sup> مقاله وقتی اسرائیل سودان را تقسیم می‌کند از سایت:

[http://www.aflabir.com/articles/view/politics/world/cv\\_۱۲۹۹۶۷۴۸۲۷۱.php/%D۹%AA%D۹%A۲%DA](http://www.aflabir.com/articles/view/politics/world/cv_۱۲۹۹۶۷۴۸۲۷۱.php/%D۹%AA%D۹%A۲%DA)

<sup>۲</sup> اصغر افتخاری، "ابعاد اجتماعی برنامه امنیتی اسرائیل؛ دستور کار برای قرن بیست و یک"، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای،

پائیز ۱۳۸۳، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۹.

<sup>۳</sup> هراکلیدس، ص ۱۴.

انقلابی از اسلام، از سوی حاکمیت مغایر با سیاست‌های آمریکا است، چرا که این برداشت ضد سلطه خارجی و مخالف موجودیت اسرائیل در خاورمیانه است.<sup>۱</sup> بر همین اساس دولت البشیر آشکارا خواهان نابودی اسرائیل می‌باشد، در این چارچوب اسلام رادیکال سودانی مانعی بر سر راه اسرائیل شناخته می‌شود. با توجه به این وضعیت، تجزیه سودان و جدایی سودان جنوبی می‌تواند به تضعیف مواضع سودان به عنوان یکی از کشورهای بزرگ اسلامی و مهم منطقه شود. در این چارچوب، قانون اجرای شریعت اسلامی در سرتاسر سودان، قبل از توافقنامه نیوآشا و مخالفت غیرمسلمانان جنوب با این قانون، زمینه برای حمایت غرب و اسرائیل از جدایی‌طلبان جنوب را فراهم آورد. لذا یکی از دلایل حمایت از فرایند جدایی جنوب، مقابله با رشد اسلام در خاورمیانه بوده است.

«عصام زیدان»، کارشناس و تحلیل‌گر عرب مسائل خاورمیانه در مقاله‌ای با عنوان «چرا آمریکا از جدایی سودان حمایت می‌کند» می‌نویسد: سودان به عنوان بزرگترین کشور عربی، حلقه تماس و انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به عمق آفریقا به شمار می‌رود که در آن فرقه‌های مذهبی گوناگونی وجود دارد، ضمن اینکه همسایگی با مصر و لیبی مسلمان و همچنین اتیوپی، اوگاندا، زئیر، چاد و آفریقای مرکزی باعث گردیده جمهوری سودان منطقه تماس و ارتباط شمال آفریقا که عرب و مسلمان هستند با آفریقای جنوب صحرا به شمار رود که این مسئله موجب اهمیت این منطقه از دو جنبه گردیده است، نخست آنکه گذرگاه اصلی به شمار رود که اسلام از طریق آن به سایر مناطق مرکزی و جنوبی قاره آفریقا وارد می‌شود و دوم این که دارای ساختار متنوعی از قبایل عربی و آفریقایی است، لذا هدف راهبردی غرب و اسرائیل، قطع تماس و ارتباط بین شمال عربی - اسلامی قاره آفریقا با جنوب آفریقای غیرمسلمان است، این راهبرد از طریق تشکیل یک کشور غیرمسلمان در جنوب سودان به طوری که جلوی ورود رویکرد اسلامی - عربی را در عمق قاره آفریقا بگیرد، تأمین می‌شود.<sup>۲</sup> برای این کار، در سال‌های گذشته آمریکا با

<sup>۱</sup> . ملازهی، ۲۱۷ و همچنین رکت: وقتی اسرائیل سودان را تقسیم می‌کند از سایت:

[http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/cv\\_۱۳۹۹۲۱۴۸۳۱.php?%D۹%۸۸%D۹%۸۲%۲](http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/cv_۱۳۹۹۲۱۴۸۳۱.php?%D۹%۸۸%D۹%۸۲%۲)

<sup>۲</sup> . عصام زیدان، پایگاه اینترنتی سوماتی الیوم، نقل شده در <http://www.khabaronline.ir/> تاریخ ۱۳۹۰-۳/۸.

فشار لابی صهیونیستی در کنگره این کشور اقدام به تهیه طرحی به نام طرح سودان جدید نمود که هدف آن از بین بردن هویت اسلامی سودان بود. بازسازی تاریخی بخش جنوبی با هویت آفریقایی - مسیحی - لائیک که نمای اسلامی نداشته باشد، بخش دیگری از اهداف پنهان این طرح بود.<sup>۱</sup>

#### (د) اهمیت اقتصادی جدایی جنوب سودان

قبل از بررسی این بعد باید به این نکته توجه کرد که واقعیت جغرافیایی اسرائیل، فقر منابع طبیعی و آبی را نشان می‌دهد، سودان به عنوان سومین کشور تولیدکننده نفت در آفریقا و با تولید ۵۰۰ هزار بشکه نفت اهمیت فراوانی در جهت تأمین نیازهای نفتی اسرائیل در کمال سهولت را فراهم آورد. این نکته را هم باید در نظر داشت که بیش از ۸۰٪ منابع طبیعی سودان از جمله نفت در سودان جنوبی مستقر است، لذا جدایی جنوب سودان و تشکیل سودان جنوبی از یک سو و مناسبات مثبت این کشور با غرب و اسرائیل از سوی دیگر می‌تواند این منابع را در اختیار آنان قرار دهد، چنان‌که در این راستا، مجوز حفاری مناطق نفت خیز این منطقه در سال ۲۰۰۱ م به شرکت‌های اسرائیلی - چینی واگذار شد.<sup>۲</sup>

کمبود منابع آبی در اسرائیل و در نقطه مقابل وجود منابع آبی غنی رود نیل و این مسئله که یکی از سرشاخه‌های اصلی این رود در سودان جنوبی است، نگاه اسرائیل را به این منطقه معطوف ساخته است، در واقع در چارچوب دسترسی به منابع آب برای اسرائیل ۳ حوزه‌ی آبی به عنوان امکانات بالقوه مطرح است: الف) حوزه رودخانه دجله و فرات، ب) حوزه رودخانه اردن و لیطانی و ج) حوزه رودخانه نیل. اسرائیل با گسترش نظامی محدوده ارضی خود به جنوب لبنان و بلندی‌های جولان توانسته است به بخشی از سرچشمه‌های رود اردن و لیطانی دست یابد، اما این حالت ناپایدار و ناتوان از پاسخ‌گویی به نیازهای بلندمدت اسرائیل است. دسترسی به آب‌های دجله و فرات نیز به واسطه مسیر طولانی

<sup>۱</sup> مقاله پشت صحنه جدایی جنوب سودان، روزنامه کیهان، سال هفتادهم، شماره ۱۹۸۴۲، ۲۷ دی ۱۳۸۹، ص ۱۲.  
<sup>۲</sup> بلوله، ص ۱۰۰.

هزینه بر است، اما حوزه ی رود نیل به واسطه‌ی پرآبی می‌تواند نیازهای بلندمدت اسرائیل به آب را تأمین کند، بنابراین جنوب سودان مکان مناسبی برای دسترسی به یکی از سرچشمه‌های اصلی این رودخانه است.<sup>۱</sup>

همچنین سودان جنوبی به لحاظ درگیری چند دهه‌ای به جنگ و بی‌توجهی دولت مرکزی به توسعه و آبادانی آن، زمینه بالقوه و مساعدی را برای سرمایه‌گذاری و حضور اقتصادی در منطقه فراهم می‌کند، در این چارچوب، به واسطه روابط و مناسبات نزدیک سودان جنوبی با غرب و اسرائیل، فضا برای فعالیت و سرمایه‌گذاری این کشورها بسیار مهیا است. چنانکه اسرائیلی‌ها در جنوب سودان مشغول به خرید زمین هستند، در حال دایر نمودن هتل‌های ۵ ستاره می‌باشند و توانسته‌اند مسئولیت فرودگاه و مراکز حساس را در اختیار خود بگیرند.<sup>۲</sup>

بعد دیگر اهمیت اقتصادی این جدایی این است که آمریکا و غرب به عنوان کمک به حفظ امنیت سودان جنوبی و حتی شمالی از طریق رقابت بین دو کشور، تجارت تسلیحاتی خود را در این منطقه رونق بخشند، به علاوه دیگر کشورهای منطقه نسبت به خرید اسلحه مبادرت ورزند و باعث رونق بیشتر معاملات تسلیحاتی غرب شوند.

### پیامدهای جدایی جنوب سودان برای جهان اسلام

با توجه به موارد گفته شده، رأی به جدایی جنوب سودان از سوی مردمان جنوب بر اثر عوامل داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی صورت گرفت و موجب شد قسمتی از جهان اسلام به نفع دشمن اصلی آن یعنی صهیونیسم بین‌الملل جدا شود و دایره‌ی نفوذ و گستره‌ی جهان اسلام را تنگ‌تر نماید، لذا این جدایی تنها به ضرر دولت مستقر سودان شمالی نیست، بلکه منافع جهان اسلام را در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان با خطر جدی مواجه ساخته است و این زیان ابعاد ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی بسیار مهمی را متوجه

<sup>۱</sup>. ملازمی، ۲۲۲-۲۲۱.

<sup>۲</sup>. زیادزاده، کارشناس مؤسسه مطالعات آفران در نشست بررسی جدایی جنوب سودان نقلشده در سایت آفران به نشانی: <http://www.afiran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=۹۱۵.۱۳۹۰/۳/۱۷> تاریخ

جهان اسلام خواهد کرد. نقطه تاریک جدایی جنوب سودان، انفعال کشورها و نهادهای اسلامی از جمله کشورهای عربی و سازمان کنفرانس اسلامی بود که در واقع زمینه را برای وقوع چنین تحولی مهیاتر نمود. در این میان اتحادیه عرب اگر چه مخالف برگزاری همه‌پرسی و جدایی جنوب بود اما هیچ اقدام عملی در راستای جلوگیری از این اتفاق انجام نداد. این نقطه ضعف در سازمان کنفرانس اسلامی نیز نمایان بود.

**یکی از پیامدهای این جدایی، تضعیف منافع و مواضع جهان اسلام در مقابل خطر منطقه ای اسرائیل و خطر صهیونیسم جهانی است، ضمن اینکه این تجزیه می‌تواند به منطقه دارفور سودان و سایر کشورهای عربی - اسلامی سرایت کند؛ لذا اعراب از جمله عراق، مصر، یمن و لبنان همواره با بیم مسری بودن بیماری‌های استقلال‌طلبی سودان روزگار می‌گذرانند.<sup>۱</sup> چرا که جدایی سودان جنوبی در منطقه‌ای که قلب دو کشور اسلامی سودان شمالی و مصر است، می‌تواند موجب فعال شدن نیروهای گریز از مرکز در منطقه و آفریقا شود.**

**گسترش نفوذ اسرائیل در قلب آفریقا به عنوان منطقه‌ای که بخشی از حوزه منازعه‌ی اعراب و اسرائیل را شامل می‌شده است، از دیگر پیامدهای تجزیه سودان است.<sup>۲</sup> چه آنکه مناسبات محکم رژیم صهیونیستی با اوگاندا و اتیوپی از یکسو و ابراز تمایل صریح دولت سودان جنوبی جهت برقراری روابط دیپلماتیک با تل‌آویو مدعای این نفوذ است. علاوه بر آن نوپا بودن دولت مستقل جنوب سودان و وابستگی رهبرانش و نیازهای مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی به غرب و اسرائیل موجب ظهور دولتی کاملاً وابسته خواهد شد که زمینه را برای نفوذ بیش از پیش اسرائیل در منطقه فراهم می‌سازد و می‌تواند دست تل‌آویو را برای مانور سیاسی از بیت المقدس تا عراق را باز کند. در این چارچوب برقراری رابطه جنوب با اسرائیل و تأسیس سفارتخانه اسرائیل در جوبا، تهدیدی آشکار علیه امنیت ملی اعراب و مسلمانان است.**

<sup>۱</sup>ر.ک: "چرا اعراب از جدایی جنوب سودان وحشت دارند" ترجمه سارا معصومی از national نهم ژانویه ۲۰۱۱، نقل شده در سایت خبر آنلاین به نشانی: <http://www.khabaronline.ir/news-۱۲۲۶۴۵.aspx>  
<sup>۲</sup> بلوله، ص ۱۱۴.

**پیامد تبلیغاتی و اثرگذار تجزیه سودان به دو کشور متفاوت دینی در شمال و جنوب**  
در افکار عمومی این است که می‌تواند در عمل این ادعای اسرائیل را که مسلمانان نمی‌توانند با پیروان سایر ادیان در یک کشور واحد زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند، را ثابت کند و توجیه ایدئولوژیک نفی زندگی مسالمت‌آمیز فلسطینیان مسلمان و یهودیان در فلسطین واحد را تقویت خواهد کرد.<sup>۱</sup>

مشخص نبودن مرزهای شمال و جنوب، اختلافات عمیق نژادی، زبانی و مذهبی میان این دو بخش و تکرر و چنددستگی در مناطق جنوب و اختلاف بر سر راه میدان‌های نفتی در خطوط مرزی جنوب و شمال می‌توانند ضریب امنیتی دو کشور سودان جنوبی و شمالی را پس از جدایی به نفع غرب و اسرائیل با مخاطره و ناپایداری مواجه سازند.<sup>۲</sup>

دست آخر این که حضور و نفوذ اسرائیل در جنوب سودان چنان که گفته شد، با دستیابی رژیم صهیونیستی به رود نیل همراه می‌شود و این می‌تواند آغاز راه طولانی برای اسرائیل در جهت اعمال فشار و نفوذ در کشورهای عربی باشد که در این میان هدف اصلی مصر است، ضمن این که این مسئله گام بزرگی در راستای تحقق شعار از نیل تا فرات تل آویو می‌باشد.

**دستیابی به منابع طبیعی و نفتی جنوب از طرف اسرائیل، زیان دیگری است**  
که از قبل این اتفاق متوجه کشورهای اسلامی نفت خیز می‌شود، چرا که این منابع دغدغه‌های اسرائیل را در تأمین نفت و سایر منابع معدنی از بین می‌برد و مزیت نفت کشورهای اسلامی را در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب تضعیف می‌نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. ملازهی، ص ۲۲۳-۲۲۲.

<sup>۲</sup>. ر.ک: هانی زاده، سرنوشت مبهم جنوب سودان.

## نتیجه گیری

جدایی جنوب سودان و عوارض آن برای جهان اسلام بسیار سنگین است، برخی طرح تشکیل سودان جنوبی را پروژه‌های برای کوچک‌سازی جهان اسلام از سوی غرب می‌دانند، لذا این تجزیه را باید ابزار و مقدمه‌ای برای ایجاد و انشقاق در جهان اسلام و جهان عرب تلقی کرد. ضمن این‌که تشکیل کشور سودان جنوبی و حضور و نفوذ اسرائیل در آن، این کشور را از حصار کشورهای عربی خاورمیانه و شرق آفریقا خارج و عملاً مقابله و کنترل آن را مشکل می‌سازد.

در هر حال خطر تبدیل سودان جنوبی به کشور اسرائیلی، خوشایند جهان اسلام نیست، این اتفاق بار دیگر این مسئله را به مسلمانان گوشزد می‌کند که انفعال در مقابل اقدامات غرب، آمریکا و اسرائیل و گسترش حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه، مسئله‌ای است که هر بار موضع مسلمانان را در مقابل تل آویو تضعیف خواهد ساخت و دیگر بار ضرورت بروز یک اجماع اسلامی در میان کشورهای اسلامی را در برخورد با مسائلی که منافع جهان اسلام را با تهدید مواجه می‌سازد را بیان می‌دارد. چرا که خواسته یا ناخواسته علی‌رغم پروژه‌های غرب در جهت نفوذ در جهان اسلام، آنچه بیش از همه آزاردهنده است، انفعال مسلمانان و بی‌توجهی آنان به شکل دادن یک وحدت اسلامی در مقابل این رویدادهاست. مسئله‌ای که از سال‌های سال قبل، مصلحانی همچون **سیدجمال الدین اسدآبادی** بدان پی بردند و برای خارج ساختن مسلمانان از این رخوت و سستی گام برداشتند. در واقع عدم وجود موضع صریح و مشترک در میان کشورهای اسلامی علی‌رغم تفاوت‌های مذهبی و نژادی، پاشنه آشیلی است که هر بار زیانی را متوجه منافع کشورهای اسلامی می‌سازد و چه خوب که این کشورها در جهت مقابله با این خطرات منافع ملی خود را در قالبی هماهنگ با سایر کشورهای اسلامی تعریف کنند تا بتوانند نقشی در معاملات و تحولات جهانی، حداقل پیرامون منافع جهان اسلام داشته باشند.

## منابع:

### کتاب‌ها و مقالات:

۱. افنخاری، اصغر، «ابعاد اجتماعی برنامه امنیتی اسرائیل؛ دستور کار برای قرن بیست و یک»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، سال چهارم، شماره چهارم، پائیز ۱۳۸۳.
۲. بلوله، احمد، "اسرائیل: استعمار جدید آفریقا"، ترجمه نعمت الله قادری، فصلنامه مطالعات آفریقا، سال دهم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۳. "پشت صحنه جدایی جنوب سودان"، روزنامه کیهان، سال هفتم، شماره ۱۹۸۴۲، ۲۷ دی ۱۳۸۹.
۴. جعفری ولدانی، اصغر، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱.
۵. دکمیجیان، هرایر، اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۳.
۶. گلی زواره قمشه ای، غلامرضا، "سودان وسیعترین کشور اسلامی"، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهارم و یکم، شماره سوم، خرداد ماه ۱۳۸۰.
۷. "مشکلات و عوامل بحران زای سودان"، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهارم و یکم، شماره ششم، شهریور ۱۳۸۰.
۸. ماریون لاپیدوس، ایرا، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۱.
۹. معرفي، محمد، "غربی‌ها سودان را تجزیه می‌کنند، سودان جنوبی کشور تازه تأسیس آفریقا"، روزنامه کیهان، سال هفتم، شماره ۱۹۹۵۷، تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۶.
۱۰. ملازهی، پیرمحمد، "اهداف تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل در سودان" فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم شماره یکم، بهار ۱۳۷۶.
۱۱. هراکلیدس، الکسیس، "مشکل جنوب سودان: تضادهای سیاسی، فرهنگی مذهبی"، بی مترجم، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال دوم شماره چهارم، دی ماه ۱۳۶۶.
۱۲. روزنامه کیهان، سال هفتم، شماره ۱۹۹۷۰، یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۰.

### سایت‌های اینترنتی:

۱. زیادزاده، کارشناس مؤسسه مطالعات آفران در نشست بررسی جدایی جنوب سودان نقل شده در سایت آفران به نشانی: <http://www.afiran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid>
۲. "چرا اعراب از جدایی جنوب سودان وحشت دارند" ترجمه سارا معصومی از national نهم ژانویه ۲۰۱۱، نقل شده در سایت خبر آنلاین به نشانی:



<http://www.khabaronline.ir/news-۱۲۲۶۴۵.aspx>

۳. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به نشانی: <http://www.irdc.ir/fa/content>
۴. عصام زیدان، پایگاه اینترنتی سومالی الیوم، نقل شده در <http://www.khabaronline.ir> تاریخ ۱۳۹۰/۳/۸.
۵. "مسرت اسرائیل از تجزیه سودان"، در سایت: <http://iusnews.ir/?pagcid=۱۲۱۷۰۱>
۶. "وقتی اسرائیل سودان را تقسیم می‌کند." از سایت: [http://www.atabir.com/articles/view/politics/world/c۱\\_۱۲۹۹۲۱۲۴۸۲p۱.php...](http://www.atabir.com/articles/view/politics/world/c۱_۱۲۹۹۲۱۲۴۸۲p۱.php...)
۷. حسن هانی زاده، "سرنوشت مبهم جنوب سودان" نقل شده در سایت: <http://zamannews.ir/View.aspx?ID=۸۹۰۷۱۵۰۵۵۱۳۹۰/۳/۸> تاریخ
۸. مصاحبه جاوید قربان اوغلی سفیر سابق ایران در سودان، با سایت خبر آنلاین به نشانی: <http://www.khabaronline.ir/news-۱۲۲۲۹۷.aspx> تاریخ ۱۳۹۰/۳/۸.

۹. <http://fa.wikipedia.org>
۱۰. <http://www.jasjoo.com/books/countries/>
۱۱. <http://news.veyq.ir/news/>
۱۲. [http://www.tebyan.net/politics\\_social/politics/foreign\\_policy/analysis\\_article/](http://www.tebyan.net/politics_social/politics/foreign_policy/analysis_article/)
۱۳. [http://www.tbayan.net/politics\\_social/politics/foreign\\_policy/analysis\\_article.](http://www.tbayan.net/politics_social/politics/foreign_policy/analysis_article/)
۱۴. تاریخ ۱۳۹۰/۳/۸. <http://www.khabaronline.ir/news-۱۲۲۲۹۷.aspx>.
۱۵. <http://news.veyq.ir/news> ۱۳۹۰/۳/۸.